



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Investigating the Dimensions of Islamic Fundamentalist Terrorism in the Human Rights Discourse

Neda Heydarimoghadam^{1*} 

Received:

06 Oct 2020

Revised:

02 Nov 2020

Accepted:

09 Nov 2020

Available Online:

01 Jan 2021

Abstract

Background and Aim: Human rights are moral principles or norms for certain standards of human behavior. Human rights are basically about the rights and entitlements that you as a human being enjoy. Terrorism aims to destroy democracy, human rights and the rule of law. Terrorism threatens the dignity and security of human beings everywhere. It threatens peace and security. Islamic fundamentalist terrorism is a type of terrorism that opposes modernity and believes in the inherent superiority of religious beliefs, ideas and programs, and aims to destroy human rights.

Materials and Methods: The research method in this paper is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: Ethical considerations regarding the writing of texts as well as references to sources were observed.

Findings: One of the fundamental debates in human rights is its universality and relativity. For example, the right to human dignity, the right to life, and cases like these are for the human race. In contrast, human rights relativism depends on religion, culture, and so on. . Terrorism affects human rights and targets its values, including the right to life, liberty, and so on. Terrorism fights the values that underlie the Charter of the United Nations and other international instruments. The direct link between terrorism and Islam was formed by al-Qaeda on September 11, 2001, and came from the realm of thought to act.

Conclusion: Because terrorism affects the enjoyment of human rights and the functioning of society, governments must take action in Actions adopt the direction of confronting it. Because terrorism has a detrimental effect on the enjoyment of a wide range of fundamental human rights, governments are not only justified but also obliged to take effective measures to combat it.

Keywords:

Human Rights,
Islamic
Fundamentalist
Terrorism,
Multilateral
Diplomacy,
Permissible Margin
Doctrine.

¹ M.A, Department of International Commercial Law, University of Tajikistan, Tajikistan.
Email: nedahm58@gmail.com Phone: +989121576657

Please Cite This Article As: Heydarimoghadam, N (2021). "Investigating the Dimensions of Islamic Fundamentalist Terrorism in the Human Rights Discourse". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (4): 95-108.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۹۵-۱۰۸)

بررسی ابعاد تروریسم بنیادگرایانه اسلامی در گفتمان حقوق بشر

ندا حیدری مقدم^۱

۱. کارشناس ارشد، گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه دولتی تجارت تاجیکستان، تاجیکستان.

Email: nedahm58@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۵ ویرایش: ۱۳۹۹/۸/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۹ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: حقوق بشر اصول یا هنجارهای اخلاقی برای معیارهای معین رفتار انسانی است. اساساً حقوق بشر در مورد حق و حقوقی است که شما به‌عنوان یک انسان از آنها برخوردار هستید. هدف تروریسم از بین بردن دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون است. تروریسم کرامت و امنیت انسان‌ها را در همه‌جا تهدید می‌کند و صلح و امنیت را به مخاطره می‌اندازد. تروریسم بنیادگرایانه اسلامی نوعی از تروریسم است که با مدرنیته مخالف است و به برتری ذاتی عقاید، افکار و برنامه‌های دینی اعتقاد دارد و هدف آن از میان بردن حقوق بشر می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متون و نیز ارجاع‌دهی به منابع رعایت گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها: یکی از بحث‌های بنیادین در حقوق بشر، جهان‌شمول و نسبی بودن آن است. به‌عنوان مثال حق کرامت انسانی، حق حیات؛ در مقابل نسبی‌گرایی حقوق بشر مطرح است که به آیین، فرهنگ و... بستگی دارد. تروریسم حقوق بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ارزش‌های آن از جمله حق حیات و آزادی را مورد هدف قرار داده است. تروریسم با ارزش‌هایی که اساس منشور ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی است، مبارزه می‌کنند. ارتباط مستقیم تروریسم با اسلام با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ توسط سازمان القاعده شکل گرفت و از عرصه فکر و اندیشه به عرصه عمل رسید. این حادثه تروریسم را به مذهب، علی‌الخصوص اسلام پیوند داد.

نتیجه‌گیری: از آنجا که تروریسم بر بهره‌مندی از حقوق بشر و کارکرد جامعه تأثیر می‌گذارد، دولت‌ها می‌بایست اقداماتی را در راستای مقابله با آن اتخاذ نمایند. از آنجاکه تروریسم تأثیرات سویی در بهره‌مندی از طیف وسیعی از حقوق بنیادین بشر به جا می‌گذارد، دولت‌ها نه تنها محق بلکه موظف به اتخاذ اقداماتی مؤثر در راستای مقابله با آن هستند.

کلمات کلیدی: حقوق بشر، تروریسم بنیادگرایانه اسلامی، دیپلماسی چند جانبه، دکترین حاشیه مجاز.

مقدمه

معنای هراس و هراس افکنی همچنین کردار گروه‌های مبارزاتی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند نامیده می‌شود. (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۱) بنیادگرایی به معنای شالوده و بنیان است. از اصطلاحات مترادف بنیادگرایی، می‌توان به اصولگرایی یا واپس‌گرایی و ارتجاع اشاره کرد. بنیادگرایی به معنای به کار گرفتن قوانین به گونه اصل و ناب آن است. بنیادگرایی اسلامی به معنای بازگشت به اعتقادات اصولی و اولیه اسلامی، قرآن و سنت است. آنها معتقدند که باید به منابع دینی بدون دستبرد، تحریف یا توجیه مبتنی بر دیدگاه شخصی، التزام نمود. اما این تنها ویژگی آن نیست. در واقع، آنچه بنیادگرایی اسلامی را متمایز می‌سازد و مایه تهدیدآمیز بودن آن می‌شود، برداشت یکسره سیاسی و ایدئولوژیک آن از اسلام است.

۳- سابقه موضوع: تروریسم مفهومی کهن در ادبیات سیاسی محسوب می‌شود. این مفهوم گرچه قدمت طولانی دارد اما در دهه اول قرن بیست و یکم اهمیت جهانی یافت. در سال ۲۰۰۱ عده‌ای از تروریست‌های وابسته به گروه القاعده حادثه تاریخی ۱۱ سپتامبر را رقم زدند. از این زمان تروریسم با مذهب پیوند عمیقی یافت و گروه‌های اسلامی از سوی افکار عمومی جهانی که عمدتاً از رسانه‌های غربی سیراب می‌شوند به عنوان تروریست شناخته شدند. رسانه‌های غربی با سوءاستفاده از این موضوع اسلام را به طور کلی متهم به ترویج آموزه‌های تروریستی نمودند. (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰)

۴- روش تحقیق: این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیل نگارش شده است.

بحث و نظر

۱- حقوق بشر

حقوق بشر آن حقوقی است که افراد صرفاً به دلیل انسان بودن استحقاق برخورداری از آن را دارند و از آنجا که انسان بودن در کل جهان مفهومی واحد است یا حداقل باید باشد حقوق انسانی افراد برابر است و هیچ گونه تبعیضی بر اساس نژاد، قومیت، رنگ، زبان، جنسیت و مذهب که این تساوی حقوق را خدشه

۱- بیان موضوع: حقوق بشر عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌های جهانی و ضمانت‌های قانونی که به طور عمده از افراد و گروه‌ها در برابر اعمال و قصور عوامل دولتی، که منجر به نقض آزادی‌های اساسی، حقوق و کرامت انسانی می‌شوند، حمایت می‌کند. گستره حقوق بشر شامل احترام به حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به علاوه حق بر توسعه و همچنین اجرای این حقوق و حمایت از آنها می‌شود در یک تقسیم بندی کلانی می‌توان تروریسم را به سیاسی و غیرسیاسی تقسیم کرد. در نتیجه شعاع آن محدود و در حوزه فردی قابل بررسی است. تروریسم غیر سیاسی دو شکل عمده دارد: تروریسم روانی و تروریسم جنایی. قسم دوم، تروریسم سیاسی است که در پی تغییر و تحول در جامعه و تحقق بخشیدن به آرمان‌های سیاسی، اجتماعی یا گروهی خود است. یکی از مهم‌ترین انواع تروریسم سیاسی، تروریسم مذهبی می‌باشد (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳) تروریسم بنیادگرایانه اسلامی گونه‌ای از این تروریسم است. افراط‌گرایی مذهبی در تروریسم بنیادگرایانه اسلامی منجر به از میان بردن حقوق بشر از جمله نسبی‌گرایی حقوق بشر شده است.

۲- تبیین مفهوم: حقوق بشر را می‌توان در ساده‌ترین، کوتاه‌ترین و شاید هم دقیق‌ترین عبارت اینگونه تعریف کرد که مجموعه حقوقی که هر فردی به عنوان انسان بودن دارد. بنابراین، حقوق بشر آن حقوقی است که افراد صرفاً به دلیل انسان بودن استحقاق برخورداری از آن را دارند و از آنجا که انسان بودن در کل جهان مفهومی واحد است یا حداقل باید باشد حقوق انسانی افراد برابر است. (مستقیم و قادری‌کنگوری، ۱۳۹۰: ۲۵۶) ریشه لغوی تروریسم به زبان یونانی به کلمه tras به معنی ترس و لرز و ترساندن برمی‌گردد. ترور و تروریسم روشی است که هم حکومت‌های سیاسی مخالف‌ها و هم گروه‌های سیاسی مخالف حکومت برای هراس افکنی و ترساندن طرف مقابل، از طریق دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز به کار می‌گیرند. ترور در لغت و در زبان فرانسه به

دار نماید جایز نبوده و حقوق بشر غیرقابل سلب و همچنین غیرقابل انتقال است. زیرا ذاتی و لازمه انسان بودن انسان است و از این رو به هیچ وجه قابل اسقاط، سلب یا واگذاری نیست. (مستقیمی و قادری‌کنگاور، ۱۳۹۰: ۲۵۶) حقوق انسانی افراد با هم برابر است، یعنی اینکه افراد به خاطر تفاوت رنگ، زبان، نژاد و... نباید تفاوت حقوقی داشته باشند و به خاطر این موارد از حقوقی که برای تمامی انسان‌ها یکی است محروم گردند. با توجه به ویژگی حقوق بشر، یعنی مجموعه حقوقی که از ذات انسان نشأت می‌گیرد، به عنوان حقوق طبیعی هیچ قانون داخلی و معاهده بین‌المللی نمی‌تواند موجد آن بوده باشد، بلکه معاهدات و قوانین صرفاً اقدام به شناسایی و اذعان به وجود این حقوق کرده‌اند. به این ترتیب، نمی‌توان با توسل به خروج از معاهدات حقوق بشری این حقوق را از افراد جامعه یا برخی از آنان سلب کرد. زیرا آن معاهده یا معاهدات موجد حقوق انسانی نبوده‌اند. قبول امکان سلب یا واگذاری بخشی از این حقوق، انسان‌ها یا شهروندان درجه یک و درجه دو را بوجود می‌آورد که با فلسفه و ذات حقوق بشر همساز نیست. اعمال هر محدودیتی بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد فقط در صورتی قابل توجیه است که برای حمایت از حقوق مساوی و استقلال دیگران اتخاذ شده باشد. مسلماً هرگونه انحرافی در این موضوع منجر به وحشت افکنی و اعمال خشونت‌آمیز خواهد شد.

۱-۱- نسل‌های سه گانه حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون اینکه صراحتاً به دسته‌بندی بپردازد، سه گروه یا نسل از حقوق بشر را مورد توجه و شناسایی قرار داده است. این سه نسل به شرح ذیل می‌باشند:

نسل اول، حقوق مدنی و سیاسی که حقوق افراد در برابر دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. حقوق این نسل شامل حق حیات، امنیت فردی، آزادی فکری، مذهب، بیان و اجتماعات، برابری در برابر قانون، منع بردگی، ممنوعیت شکنجه، حق تابعیت، آزادی مسافرت و حق مشارکت در اداره امور جامعه است.

نسل دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است.

این حقوق شامل حق امنیت اجتماعی، بهداشت، آموزش، کار، استراحت، تفریح و مشارکت در حیات فرهنگی و اجتماعی است. نسل سوم به حقوق جمعی یا همبستگی شهرت دارد. در این نسل باید شرایطی مناسب فراهم گردد تا تحقق دو نسل دیگر حقوق بشری امکان‌پذیر گردد. لذا مسؤولیت، بیشتر به سمت جامعه جهانی سوق یافته و افراد، جوامع و حتی دولت‌ها در مقام مدعی قرار می‌گیرند. حق صلح، حق توسعه و حق برخورداری از محیط زیست سالم در قالب نسل سوم حقوق بشر مطرح می‌گردند.

ویژگی مهم نسل اول حقوق بشر در سلبی بودن آن است که دولت‌ها را از انجام یک سری از اعمال که نافی حقوق افراد است منع می‌کند و آنها را ملزم می‌کند که ساز و کارهای قانونی ایجاد کنند تا این حقوق توسط افراد حقیقی یا حقوقی و دستگاه‌های دولتی نقص نشود. اصولاً تمرکز حقوق بشر دولتی و غیر دولتی همواره بر حقوق مدنی و سیاسی بوده است. در مقابل، نسل دوم به وظایف ایجابی دولت‌ها و تاحدی جامعه جهانی در برابر شهروندان می‌پردازد که برای تأمین آنها نیاز به منافع مالی و اقتصادی است. دولت‌ها موظف هستند امکاناتی را برای تضمین سطح مناسب زندگی برای شهروندان خود فراهم کنند و زمانی که دولت‌ها به دلیل توسعه خود توان کافی برای رفع این نیازها را ندارند، مسؤولیت با دولت‌های ثروتمند و جامعه جهانی است تا در جهت رفع این نیازها همکاری کنند.

۱-۲- جهان‌شمولی حقوق بشر

جهانی شدن پدیده غالب و جاری زمانه ما است. پدیده‌ای که به دگرگونی‌ها در حوزه‌های موضوعی متفاوت در سطح جهان اشاره دارد. روند مهمی در حیات جمعی بین‌المللی که انسان‌ها را در اقصی نقاط عالم، قطع نظر از تفاوت‌ها تحت تأثیر قرار داده و به هم نزدیک می‌کند. از جمله تأثیرات جهانی شدن، گسترش جهانی حقوق بشر است که از رهگذر آن برخی حقوق فردی و جمعی ارتقا یافته و از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند.

(شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

اصطلاح جهان‌شمولی به معنای فراگیر، عالم‌گیر، جهانی و جهان‌شمول است. جهان‌شمولی به تمام ارزش‌ها و باورهایی

دیپلماسی، حضور و مشارکت در محیط‌های با حضور بیش از دو دولت عضو برای پی‌گیری اهداف، تأمین منابع، افزایش نفوذ و کاهش آسیب‌پذیری با کمترین هزینه است. این نوع دیپلماسی، دیپلماسی چند جانبه دولتی خوانده می‌شود. (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۵)

در تکمیل دیپلماسی چندجانبه و فهم بهتر آن باید به محیط تعامل در دیپلماسی چندجانبه اشاره کرد، چراکه مفهوم دیپلماسی چندجانبه بدون درک این مقوله امکان‌پذیر نیست. ساختار توافقی، آیین‌نامه‌ها و روش‌های کار، محیط ویژه‌ای را در دیپلماسی و نهادهای چندجانبه ایجاد کرده‌اند. برای ایجاد ارتباط منظم و قانونمند در دیپلماسی چندجانبه، ترتیبات و ساختارهای توافقی خاص میان دولت‌ها در نظر گرفته شده است و دولت‌ها و نمایندگان آنها در دیپلماسی چندجانبه، شیوه تعامل را در قالب مشخصی از آیین کار و مقررات داخلی هر دولت و سازمان بین‌المللی تعریف و تدوین کرده‌اند. این مقررات، نحوه عضویت دولت‌ها در نهادهای بین‌المللی و ارکان آنها و نیز روش مشارکت و تأثیرگذاری در آنها را مشخص می‌نماید. موضوع دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد، روابط قدرت میان اعضاء می‌باشد، چراکه در دیپلماسی چندجانبه، این که هر کشور دارای چه میزانی از قدرت بوده و چه روابطی با سایر قدرت‌ها دارد نقش مهمی در شکل‌گیری محیط تعامل ایفا می‌کند. البته در محیط‌های بین‌المللی و چندجانبه، نحوه ارتباط قدرت با موضوع تصمیم‌گیری نیز دارای اهمیت بسیار است. به عنوان مثال، دولت عربستان در ارتباط با موضوع نفت در محیط‌های چندجانبه مؤثرترین بازیگر است چرا که بیشترین توانمندی را در موضوع نفت دارد.

۳-۱- دیپلماسی چندجانبه و حمایت از حقوق بشر

حقوق بشر مدرن مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، عرف، رویه و ساز و کارهای اجرایی است که عملاً با آغاز دیپلماسی چند جانبه طی دو قرن گذشته پیوند خورده است. در این چارچوب مفاهیم و موازین حقوق بشری در قالب معاهدات متعددی شکل گرفته که خود منتج از اقدامات اعضای جامعه بین‌المللی با

اطلاق می‌گردد که مورد اقبال و پذیرش تمام فرهنگ‌هاست و تمام افراد و ملل جهان را شامل می‌شود در حقوق بین‌الملل معاصر حقوق بشر حقوقی بنیادین و غیر قابل انتقال است. حقوقی که زیستن نوع بشر بر پایه آن استوار است. حقوق بشر نه به معنای حقوقی است که انسان‌ها به دلیل انسان بودن از آن برخوردار هستند بلکه تفکر جهان‌گرایی بر این معنی استوار است که انسان فارق از رنگ، نژاد، مذهب و زبان فقط به دلیل انسان بودن از حداقل حقوقی برخوردار است. مبنای جهان شمولی فقط کرامت و حیثیت انسانی می‌باشد.

۲- نسبی‌گرایی حقوق بشر

مبنای نسبی‌گرایی حقوق بشر بر این فرضیه استوار است که نمی‌توان تمام انسان‌ها را به پذیرش یک‌سری از قوانین یکسان حقوق بشری سوق داد زیرا حقوق عبارت است از قاعده رفتار اجتماعی که مولد جوامع بشری است. بنابراین هیچ ملتی حق ندارد ایدئولوژی و فرهنگ یک کشور را به افراد کشورهای دیگر تحمیل کند. در مکتب نسبی‌گرایی، فرهنگ و آمیزه‌های دینی و مذهبی هر ملتی در جایگاه خودش حائز اهمیت است و ارزش‌های اساسی آن ملت قلمداد می‌گردد. در این نوع دیدگاه جامعه به فردگرایی اهمیت می‌دهد و حقوقی را برای فردیت بشر قایل است. در صورتی که در دیدگاه جهان‌شمولی حقوقی کلی از این لحاظ که بشر انسان است و در جایگاه انسان بودن یک حقوقی دارد مثل آموزش، مسکن و کار. این نیازها برای تمام انسان‌ها یکسان است و باید حداقل حقوقی یکسان برای تمام افراد اجراء گردد. در این نوع نگرش، احساسات و عواطف انسانی مد نظر گرفته نمی‌شود و اینکه مجموعه حقوقی یکسان را نمی‌توان برای تمامی افراد که از نظر نژاد، فرهنگ و آمیزه‌های دینی و مذهبی متفاوت هستند وضع کرد.

۳- دیپلماسی چندجانبه

دیپلماسی چندجانبه دانش و هنر به‌کارگیری دیپلماسی در محیط‌های چندجانبه است. به بیانی دیگر، اگر با نگاه دولتی به دیپلماسی در محیط‌های چندجانبه بنگریم مبنای این نوع

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین و بسیاری از معاهدات حقوق بشری) و یا لاقلاً تظاهر به آن هستند.

۴- دکترین حاشیه مجاز تفسیر

دکترین در معنی لغوی یعنی نظریه، فکر و اندیشه در اصطلاح حقوقی، یعنی عقاید دسته‌ای از علمای حقوق و نه نظریات فردی آنها. بنابراین دکترین واجد یک پایگاه عقلی و منطقی نیز می‌باشد و آن همانا اجماع عقلایی یک جامعه جهانی است. البته در شکل‌گیری و تحول دکترین بین‌المللی، اندیشه‌های فکری و فلسفی ارائه‌دهندگان دکترین نیز تأثیر به‌سزایی داشته است.

دکترین حاشیه مجاز تفسیر، درخصوص اجرای حقوق بشر براساس ویژگی‌های محلی می‌باشد. پس بر همین اساس اجرای حقوق بشر نسبی‌گرایی را امکان‌پذیر کرده است. این نظریه می‌تواند تضعیف جدی وعده اجرای بین‌المللی حقوق بشر باشد. این دکترین ریشه در نسبی‌گرایی فرهنگی دارد.

دکترین حاشیه مجاز تفسیر که در ادبیات مرتبط با حقوق بشر مورد توجه بسیار زیادی قرار گرفته است، به عنوان آزادی عمل، قدرت مانور، جای نفس کشیدن و آزادی اختیار تعریف شده است و آن را به عنوان نقطه‌ای دانسته‌اند که در آن نظارت بین‌المللی باید مسیر را در اختیار دولت قرار داده تا دولت مزبور در تصویب یا اجرای قوانین، صلاحیت خود را اعمال نماید. (شریفی طرازکوهی و مبینی، ۱۳۹۳: ۷۷) دکترین حاشیه مجاز تفسیر بر این اساس مبتنی است که هر جامعه‌ای از آزادی مشخصی برای ایجاد توازن میان حقوق اشخاص و منافع ملی و همچنین حل تعارضات برخاسته از عقاید اخلاقی متعارض برخوردار است و بدین ترتیب، حاشیه مجاز تفسیر در راستای اعمال انعطاف در حل تعارضات برخاسته از سنت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر طراحی شده است.

دکترین حاشیه مجاز، جهان شمولی مطلق را رد می‌کند و در صدد ایجاد یک توازن بین جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی می‌باشد و به دنبال ایجاد یک ارتباط منطقی بین این دو نظریه حرکت می‌کند. همچنین در پی ایجاد جامعه‌ای با آزادی‌های مشخص است تا یک توازن را بین حقوق اشخاص و منافع ملی ایجاد

محوریت اروپا در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم و نیز تحولات عظیم داخلی همچون منشور حقوق شهروندی انگلستان در سال ۱۶۸۹، اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و اعلامیه انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی است. (ظریف و سجادیپور، ۱۳۹۵: ۶۹۰)

حقوق بشر بحث مهم و پیچیده‌ای است. موضوعی فراگیر، گسترده و چالش برانگیز می‌باشد و یکی از حوزه‌هایی است که بیشترین میزان هنجارسازی و قانون‌سازی توسط دیپلماسی چندجانبه در آن صورت پذیرفته است. این روند هنجارسازی بعد از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد از طریق منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی، میثاقین و متعاقب آن معاهدات بین‌المللی حقوق بشر پدیده‌ای به نام وجدان جهانی حقوق بشری را ایجاد و نهادینه ساخته که فراتر از مجموعه‌ای از مقررات و قوانین تبدیل به بخشی از فرهنگ جهانی شده است. امروزه اصل حقوق بشر مخالفی ندارد. هیچ مقام، دولت و یا متفکری در اصل حقوق بشر و ضرورت رعایت و احترام به آن تشکیک نمی‌کند و اقدامات دیپلماسی چندجانبه دولت‌ها فقط درخصوص هنجارسازی و قانون‌سازی در زمینه حقوق بشر نبوده است بلکه ساز و کارهای نظارتی جهت تحقق تعهدات دولت‌ها نسبت به معاهدات حقوق بشری در نظر گرفته شده است، مثل تشکیل کمیته‌هایی که ناظر بر اجرا این تعهدات می‌باشند. یکی دیگر از روش‌های رسیدگی به شکایات حقوق بشری، دخالت نهادهای ملل متحد در وضعیت حقوق بشری دولت‌ها است. (بر اساس مجوز دخالت نهادهای ملل متحد) همچنین بررسی وضعیت حقوق بشر در یک کشور توسط مجمع عمومی الزاماً نیازمند بررسی قبلی در کمیسیون یا شورای حقوق بشر نیست. براساس منشور ملل متحد مجمع عمومی می‌تواند راساً مواردی را که در چهارچوب وظایف ملل متحد است بررسی نماید، وضعیت حقوق بشری از این قاعده مستثنی نیست. (Tümay, 2008: 230)

البته این نکته نیز حائز اهمیت است که حکومت‌ها درصدد رعایت اصول و تطابق رفتارهای خود با موازین حقوق بشری

تروریسم نه عملی منفرد یا واکنشی عاطفی، بلکه اقدامی جمعی و ناشی از تشکل یافتگی است که می‌تواند در جایگاه نوعی استراتژی سیاسی یا حتی نظامی قرار گیرد. به این معنی تروریسم جریانی است که می‌کوشد به کمک نظامی از هراس افکنی و وحشت پراکنی مبتنی بر قهر و زور، دیدگاه‌های خویش را پیش ببرد. معیار دیگر که می‌توان بر اساس آن تروریسم را از ترور تمیز داد نوع و آماج اهداف انتخاب شده است. بر این اساس، ترور نوعی عمل غافلگیرانه و ناگهانی برای از پای درآوردن مخالف و دشمن است. اما تروریسم با جوهره سیاسی، اجتماعی و عمل فراتر از قتل غافلگیرانه تعریف می‌شود. در واقع در تروریسم قتل یا وحشت افکنی لزوماً معطوف به مقتول یا جمعیت مورد تعدی نیست، بلکه در پی آن است تا با تعرض و تعدی به جمع یا هدفی کوچک، جمعیت و جامعه بزرگ را با هراس و انفعال مواجه کند، تا به اهداف خود دست یابد. با وجود این، جامعه بین‌الملل هنوز نتوانسته است بر سر تعریفی جهان‌شمول مورد اجماع همگان به توافق برسد و این امر بدین خاطر است که تعریف هر بازیگری از این مفهوم برگرفته از منافع و امنیت ملی خود است. از این‌رو، تعریف تروریسم مملو از اختلافات و شائبه‌های سیاسی است و بی‌جهت نیست آن کس که از نظر شخصی، تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری مبارز راه آزادی است. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که هنوز تروریسم به صورت جامع و مانع تعریف نشده این است که تعریف ایجاد تعهد می‌کند و کشورها نمی‌خواهند خود را زیر بار هیچ تعهد و مسؤولیتی در قبال مبارزه با تروریسم ببرند. (مستقیمی و قادری کنگاوری، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

در یک تعریف کلی می‌توان تروریسم را این گونه تعریف کرد که تروریسم یک نظام ساختار یافته است که با هدف عموماً سیاسی یا حتی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت فردی یا جمعی افراد بی‌گناه و مظلوم یک جامعه را مورد ترور قرار می‌دهد. افرادی که هیچگونه نقشی در این عملیات ندارند و هدف اصلی گروه تروریسم نیز نیستند.

کند و با این هدف حرکت می‌کند که تعارضاتی که از عقاید اخلاقی متعارض برخاسته است را حل کند. یکی از دلایلی که باید از دکتترین حاشیه مجاز استفاده گردد، این است که باعث آگاهی هرچه بیشتر دولت‌ها از آداب و رسوم همچنین فرهنگ و عقاید مذهبی جامعه خود می‌گردند. این موارد همگی نشان دهنده ریشه نسبی‌گرایی دکتترین حاشیه مجاز تفسیر می‌باشند.

۵- مفهوم شناسی ترور و تروریسم

تروریسم از ریشه ترور به معنای ترس، وحشت و هراس است. لغت نامه دهخدا در تعریف ترور می‌نویسد که ترور مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه می‌باشد، که در فارسی متداول شده است. تروریسم از واژه‌های مبهم در عرصه بین‌المللی است که به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق آن با نوعی بحران معنا در تعریف و تحدید قلمرو آن مواجه هستیم. تعاریفی که از تروریسم و ابعاد آن ارائه شده بیش از آن که منطبق بر عینیت‌گرایی و پذیرش دوگانگی ارزش و واقعیت باشد، برگرفته از برساخته‌های گفتمانی و تبلیغی است (مستقیمی و قادری کنگاوری، ۱۳۹۰: ۱۲۲)

تروریسم میدان وسیعی دارد و از طرف هر دولتی به گونه‌ای تعریف می‌گردد که امکان به اجماع رسیدن در یک تعریف واحد وجود ندارد و چون در اکثر موارد در حوزه تروریسم پای ملت‌ها و دولت‌ها در میان است، هر دولتی سعی می‌کند که تروریسم را به گونه‌ای تعریف کند که با قربانی کردن خود چهره دیگر دولت‌های رقیب را مخدوش کند.

بنابراین، تفاوت چندانی میان دو مفهوم تروریسم و ترور وجود ندارد؛ جز اینکه تروریسم آن حالت سازماندهی شدن، مکتب شدن، رویه شدن و روشمند شدن همان ترور است. به عبارت دقیق‌تر، تروریسم، نظریه‌مند شدن اقدام ترور و در واقع عمل تروریستی است. به این ترتیب، تروریسم حاکی از نوعی جریان است که برخلاف ترور که عملی فردی و ضربتی است و در کوتاه مدت انجام می‌پذیرد؛ جریانی گروهی، سازمان یافته و مستمر است که اهداف متنوع‌تری را پوشش می‌دهد، فلذا،

فقط شامل تعریف آن نمی‌شود بلکه دایره شمول و ویژگی‌های بنیادگرایی را نیز در بر می‌گیرد. بنیادگرایی یا فوندامنتالیسم به‌طور ذاتی به معنای محور قرار دادن مفاهیم حداکثری دین و یا یک ایدئولوژی در تمام شوون اندیشه و سبک زندگی است. بنیادگرایی یک پدیده تاریخی، مبنی بر اجرای اصل و ریشه احکام دینی است. تقابلی بین مدرنیته و اصول‌گرایی می‌باشد. بنیادگرایی دینی به معنای کوشش برای احیای ارزش‌های مذهبی، درمقابل با ایدئولوژی و ارزش‌های مدرن می‌باشد. این واکنشی است عمومی که در قرن بیستم در فرهنگ‌های مذهبی گوناگون پدیدار شد. بنیادگرایان معتقد هستند که اصول دین براساس غفلت و به واسطه سازش و بی‌توجهی از بین رفته است. آنها معتقدند جامعه بر این اساس فاصله زیادی از واقعیت احکام مذهبی گرفته است.

آغاز جنبش بنیادگرایان در جوامع اسلامی پس از شکست جنبش‌های ملی‌گرایانه و جریان‌های غرب‌گرا شکل گرفت که واکنشی به استعمار غرب و ضعف مسلمانان بود. تقابل بین اصول‌گرایی سنتی و مدرنیته غرب با بنیادگرایی اسلامی نمایش داده شد. این جنبش در دو شکل مبارزاتی و غیر مبارزاتی نمایان شد که نمونه‌های آن را می‌توان در رژیم‌های بعثی سوریه و عراق در نهضت‌های اخوان‌المسلمین و وهابیت عربستان مشاهده کرد و گونه افراطی آن را در گروه القاعده و طالبان مشاهده می‌کنید.

مهم‌ترین شعار بنیادگرایان بازگشت به اسلام اصیل، قرآن و سنت پیامبر است به خاطر همین آنها را سلفیه یا سلفی‌گرا نیز می‌نامند. بنیادگرایی و آموزه‌های آن به طور کلی با اصول مدرنیسم مثل آزادی، دموکراسی و نسبی‌گرایی مخالف می‌باشند.

بعد از آشنایی با اسلام و مفهوم بنیادگرایی به بررسی و تعریف چند گروه بنیادگرا تروریستی می‌پردازیم که معتقد هستند اساس و بنیاد دین اسلام را اجرا می‌کنند.

یکی از گروه تروریستی مورد بحث القاعده می‌باشد. القاعده نمونه بارز سلفیت جهادی است. شکل‌گیری القاعده از سودان آغاز شد. بعد از خروج شوروی سابق از افغانستان در سال ۱۹۸۹

بر این اساس برخی از شاخص‌ها و مصادیق تروریسم عبارتند از بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، دزدی دریایی و... که در مورد پذیرش آنها به عنوان جرم تروریستی اختلاف چندانی میان دولت‌ها وجود ندارد.

در ادامه این مبحث به تعریف و بررسی عناصر تروریسم، تروریسم و حقوق بشر همچنین تروریسم بنیادگرایانه اسلامی می‌پردازیم که شامل گروه‌های تروریستی القاعده، داعش، بوکوحرام و... می‌باشد.

۵-۱- عناصر تروریسم

تعاریف مختلف و متفاوتی از تروریسم وجود دارد که در این مقاله تنها به گوشه‌ای از آن پرداخته شده است. برای روشن شدن تروریسم باید به عناصر مشترک در مفهوم آن توجه نمود. از عناصر تروریسم داشتن انگیزه سیاسی، هدف قرار دادن کسانی که قدرت دفاع از خود را ندارند و مخفی بودن فعالیت است.

بنابراین عناصر تشکیل دهنده یک ترور عبارت است از استفاده نمودن از ابزارها و روش‌های خشونت آمیز ارتکاب ترور توسط گروه‌های سازمان یافته، ایجاد رعب و وحشت برای عموم افراد یک جامعه و دنبال کردن یک هدف سیاسی. در یک تقسیم‌بندی می‌توان از موارد زیر به عنوان عناصر تشکیل دهنده پدیده تروریسم یاد نمود:

- عمده‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت می‌باشد.

- انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی اقدامات تروریستی است.

- هدف تروریسم ایجاد وحشت و ترس در جامعه است.

- انگیزه تروریست‌های سیاسی و مذهبی و کسب منابع شخصی یا گروهی است.

- غیر قانونی بودن از ویژگی‌های مهم تروریسم است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

۵-۲- شناخت تروریسم بنیادگرایانه اسلامی

بنیادگرایی برگرفته از ریشه لاتین به معنای اساس و بنیاد است و یکی از مبهم‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی است. این ابهام

شخصی به نام اسامه بن لادن ارتش اسلام را که بعدها القاعده نام گرفت تشکیل داد. اسامه بن لادن می‌گوید هدف و میل قلبی ما نیز این بوده که در راه برپایی و تحکیم حکومت اسلامی و پیاده کردن احکام اسلامی جهاد کنیم. این هدف ما است و برای همین هدف، از کشور خود خارج شده‌ایم.

هدف نهایی ایدئولوژی القاعده، دستیابی به حکومتی فقهی است که ریشه در سلفی‌گری وهابیت دارد و بر تمام جهان حکم می‌راند. این حکومت دینی که بر شکل‌گیری جامعه دینی، از طریق اجرای قوانین فقهی مبتنی است و مهم‌ترین خواسته و موتور محرکه فعالیت‌های القاعده به شمار می‌رود. حکومت طالبان بر افغانستان در واقع، جلوه و تبلوری از حکومت مورد نظر القاعده است (توکلی، ۱۳۹۳: ۵۴)

گروه دیگر که موسوم به گروه داعش می‌باشد در سال ۲۰۰۳ همزمان با سقوط رژیم عراق تشکیل گردید ولی جریان فکری آنها به سالیان گذشته برمی‌گردد. مؤسس آن احمد فاضل الخلالیه با نام مستعار ابومصعب الزرقاوی، اردنی بود. که با هدف فروپاشی دولت اردن در سال ۲۰۰۰ به بن لادن پیوست و جماعت التوحید و جهاد را تشکیل داد. این جنبش در پی تشکیل خلافت است تا قلمروی متشکل از سنی‌ها ایجاد کند. داعش یک ساختار منسجم و هماهنگ نظامی مانند ارتش دارد و این خلاف عقیده سلفی جهادی می‌باشد علاوه بر این دارای ساختار اطلاعاتی و امنیتی است که از قدرت ویژه‌ای در عرصه اطلاعات و امنیت برخوردار است.

گروه‌های تروریستی فوق‌الاشاره در قاره آسیا در منطقه افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه اعمال قدرت می‌کنند. همچنین داعش به غیر از منطقه‌های نامبرده شده در شمال آفریقا نیز وجود دارد. گروه تروریستی دیگری که دیدگاه‌های آن در این تحقیق مورد نظر است بوکو حرام است. که در قاره آفریقا و در منطقه نیجریه فعالیت می‌کنند. بوکو حرام از لحاظ لغوی به این معنا است که «آموزش به شیوه غربی حرام است.»

از دید تاریخی ریشه بوکو حرام به پیشینهٔ دراز اسلام‌گرایی در منطقه برمی‌گردد. حکومت خلیفه سوکوتو در سال‌های پایانی سدهٔ ۱۹ در منطقه‌ای شامل شمال نیجریه کنونی، نیجر و شمال کامرون به دست عثمان دن فودیو تأسیس شد. در ۱۹۰۳، این حکومت زیر کنترل انگلیسی‌ها درآمد. از آن هنگام مسلمانان منطقه در برابر آموزش و تحصیلات غربی ایستادگی می‌کرده‌اند. به علت اهمیت آموزش قرآنی در جوامع اسلامی از دیرباز در بسیاری از این جوامع «مدارس قرآنی» یا «مکتب خانه» تأسیس شده است. از آنجا که مذهب نقش برجسته و کارساز در جامعه نیجریه چه پیش و چه پس از استقلال داشته است، مسلمانان نیجریه هم این گونه کارها را گونه‌ای تکلیف می‌دانسته‌اند و دانش‌آموزان در این مدارس در کنار خواندن و نوشتن، اصول، احکام و آموزه‌های اسلامی و اخلاقی می‌آموختند. وقتی انگلیسی‌ها به شمال نیجریه پا گذاشتند، با نظام آموزشی اسلامی و قرآنی و گستردگی کاربرد زبان عربی روبه‌رو شدند و کوشیدند شیوه آموزش غربی و الفبای رومی را جانشین آنها کنند. در برابر تهاجم فرهنگی مدارس اروپایی مسیحی، رهبران مسلمان، مدارس اسلامی و قرآنی را توسعه می‌دادند. البته این مدارس زیر چتر یک سیستم مرکزی هماهنگ نبودند و در اختیار صاحبان خود قرار داشتند. این نظام آموزشی، نظامی کامیاب بود و در گذر زمان پویایی‌های لازم را نداشت. بوکو حرام در واقع منادی گونه‌ای احیاگرایی اسلامی در نیجریه است. قیام بوکو حرام نخستین قیام یک گروه مذهبی اسلامی در نیجریه نیست. خشونت بر پایه مذهب در نیجریه پدیده‌ای تازه نیست. آنچه در سی سال گذشته تغییر کرده، این است که مخالفت مذهبی در شهرها صورت می‌گیرد نه همچون گذشته در حومه شهرها و روستا. از دیدگاهی دیگر، بوکو حرام همچون پدیده‌ای در جریان گسترش اسلام‌گرایی در شمال آفریقا دیده می‌شود. ز این دیدگاه، این گروه که پیوندهایی با شاخه القاعده در مراکش و الشباب در سومالی دارد، از هلال بحران از ساحل تا شاخ آفریقا به شمار می‌آید (عباس زاده فتح آبادی، ۱۳۹۳: ۳۳)

این نکته حائز اهمیت است که برای تقابل با تروریست باید چارچوب‌های حقوق بشری رعایت گردد. اگر برای نابودی تروریسم که خود باعث نقض حقوق بشری می‌گردد، دولت‌ها نیز اقدام به نقض این حقوق کنند، آن وقت تفاوت بین حاکمان سرزمین‌ها که موظف به اجرای حقوق بشر بالاخص حقوق بنیادین و اساسی بشری می‌باشند با تروریسم که منجر به نقض این حقوق می‌شود چیست؟

پاسخ قربانیان جنگ با تروریست را چه کسانی باید بدهند. چه کسانی باید پاسخگوی نقض حقوق بشر دوستانه باشند. دولت‌ها موظف هستند که امنیت شهروندان خود را تأمین کنند و در هیچ شرایطی این امنیت نباید به خطر بیافتد. دولت‌ها باید شرایط بهداشت، آموزش، کار، مسکن و... که از جمله حقوق سه گانه بشری هستند را تأمین کنند. درحالی که جنگ با تروریسم باعث بی‌توجهی به این حقوق شده است. هدف فقط واکنش به تهدیدات حملات تروریستی به هر قیمتی که باشد، و بهای آن را افراد جامعه‌ای پرداخت می‌کنند که درمقابل با تروریسم هستند که مهمترین اصل حقوق بشری امنیت درچنین جوامعی مد نظر گرفته نشده است. در این کشورها نه تنها حقوق بنیادین بشر اجرا نمی‌گردد، بالطبع حقوق غیربنیادین نیز با توجه به جنگ‌های پی در پی علیه تروریسم اجراء نمی‌شود. در برخی موارد پیدایش تروریسم از نقض حقوق بشری توسط دولت‌ها ایجاد می‌گردد.

جنگ علیه تروریسم به طور اعم و تروریسم القاعده‌ای به طور اخص، تنها منجر به رشد و گسترش بیشتر تروریسم و خشونت همچنین خلق نسل‌های جدیدی از تروریسم در سراسر جهان خواهد شد. خطر تروریسم واقعی است و نمی‌توان به آن بی‌توجه بود اما نباید موجب شود که دولت‌ها از دیگر خطراتی که به همان اندازه جنگ علیه تروریسم اهمیت دارند، غافل شوند.

در سمیناری در نیویورک که در آذرماه ۱۳۸۰ برگزار شده بود، در کنار کمیته سوم مجمع عمومی که معمولاً به مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بشر دوستانه می‌پردازد، گزارشگر ویژه غذا این نکته را مطرح کرد که بسیاری از

فلسفه برپا کردن این گروه، ریشه در تجربه اسلام ارتدوکس دارد. در تجربه اسلام ارتدوکس مانند طالبان افغانستان و پاکستان، آموزش غربی (غیر قرآنی) گناه شمرده می‌شود و بوکوحرام نیز به معنای «آموزش غربی حرام است» می‌باشد. یکی از اعضای سازمان بر آن است که بوکوحرام به معنای «حرام بودن تمدن و فرهنگ غربی» است. یعنی این سازمان کاری با آموزش رسمی غربی ندارد، بلکه فرهنگ اسلامی را برتر می‌داند و فرهنگ غربی را نمی‌پذیرد.

۶- حقوق بشر و تروریسم

ارتباط حقوق بشر با تروریسم چیست؟ چگونه تروریسم باعث می‌شود که حقوق بشر نقض گردد. شاید نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها باعث ایجاد تروریسم شده و اعمال تروریستی نیز باعث نقض حقوق بشر می‌گردد.

تکرار حملات تروریستی در اقصی نقاط جهان تبعات حقوق بشری جنگ علیه تروریسم را در وجدان عمومی تحت الشعاع قرار می‌دهد. تحقق حقوق بشر برای ساختن جهانی که در آن تروریسم نتواند آزادی و امنیت شهروندان را تهدید کند، حائز اهمیت است. چارچوب حقوق بشر مانع اتخاذ اقدامات مؤثر و مشروع در مورد واکنش به حملات تروریستی نیست. تصور دولتی در پیروی از هنجارهای بنیادین حقوق بشر احتمالاً موجب می‌شود سازمان‌های تروریستی ساده‌تر به عضوگیری از میان ناراضیان و محرومان جامعه که حقوق بشری ایشان نقض شده اقدام کنند. نقض حقوق بشر به نام جنگ با تروریسم تلاش‌هایی را که برای پاسخ دادن به تهدیدهای تروریستی انجام می‌شود، تضعیف کرده است و امنیت شهروندان را هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت به خطر می‌اندازد. بنابراین تروریسم و حقوق بشر دارای ارتباط معکوس با یکدیگر هستند. لذا نقض گسترده حقوق و آزادی‌های اساسی بشر یکی از موجبات اساسی نضج و گسترش تروریسم است. از سوی دیگر، اعمال خشونت‌آمیزی که عموماً تروریسم شناخته می‌شوند، مستقیم و غیرمستقیم باعث نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شهروندان می‌گردند. (مستقیمی و قادری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۵۷)

مناطقى که در جهان به مناطق تروریست‌پرور متهم می‌شوند، ساکنان این مناطق از فقر غذایی مفرط رنج می‌برند و همین فقر غذایی مفرط، روحیه انتقام‌جویی و پرخاشگری را در وجود چنین افرادی ایجاد خواهد کرد. هنگامی که آزادی‌های اساسی افراد یا گروهی از افراد ملتی، به طور گسترده سرکوب شود و حقوق بنیادین آنها مورد تعرض قرار گیرد و از سوی دیگر، تمام راه‌های مسالمت‌آمیز ممکن برای دادخواهی و کاستن از فشار و سرکوب بسته باشد یا عملاً بی‌نتیجه بماند، به طور طبیعی و قهری باید منتظر توسل به آخرین ابزار و علاج غریزی، یعنی خشونت بود. (مستقیمى و قادری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۶۱)

باتوجه به مطلب فوق که فقر مفرط خود یکی از عوامل ایجاد تروریسم می‌باشد، گروه تروریستی بنیادگرایانه بوکو حرام اعضای خود را از بین افرادی که به شهرها کوچ می‌کنند و وضع اقتصادی بدی دارند انتخاب می‌کند. همچنین دانش‌آموزان و دانشجویانی که دست از تحصیل کشیده‌اند و به دنبال کار می‌گردند و به علت پیدا نکردن کار جذب این گروه می‌شوند. یکی از دلایل جذب جوانان به ایدئولوژی داعش به خاطر تقسیم پول و بخش مواد غذایی بین آنها می‌باشد. در صورتی که نسل دوم حقوق بشر درباره مسکن، تأمین غذا، کار، تحصیل و... (مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر) صحبت می‌کند. اجرای این نسل از حقوق بشر جزء مسؤولیت‌های ایجابی دولت‌ها می‌باشد که باید آن را تأمین کنند و در صورت کمبود سرمایه دولت درخصوص تأمین این موارد، دولت‌های ثروتمند و کشورها باید در این خصوص کمک کنند.

۷- دیپلماسی چند جانبه و تروریسم بنیادگرایانه

مناطقى که در جهان به مناطق تروریست‌پرور متهم می‌شوند، ساکنان این مناطق از فقر غذایی مفرط رنج می‌برند و همین فقر غذایی مفرط، روحیه انتقام‌جویی و پرخاشگری را در وجود چنین افرادی ایجاد خواهد کرد. هنگامی که آزادی‌های اساسی افراد یا گروهی از افراد ملتی، به طور گسترده سرکوب شود و حقوق بنیادین آنها مورد تعرض قرار گیرد و از سوی دیگر، تمام راه‌های مسالمت‌آمیز ممکن برای دادخواهی و کاستن از فشار و سرکوب بسته باشد یا عملاً بی‌نتیجه بماند، به طور طبیعی و قهری باید منتظر توسل به آخرین ابزار و علاج غریزی، یعنی خشونت بود. (مستقیمى و قادری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۶۱)

باتوجه به مطلب فوق که فقر مفرط خود یکی از عوامل ایجاد تروریسم می‌باشد، گروه تروریستی بنیادگرایانه بوکو حرام اعضای خود را از بین افرادی که به شهرها کوچ می‌کنند و وضع اقتصادی بدی دارند انتخاب می‌کند. همچنین دانش‌آموزان و دانشجویانی که دست از تحصیل کشیده‌اند و به دنبال کار می‌گردند و به علت پیدا نکردن کار جذب این گروه می‌شوند. یکی از دلایل جذب جوانان به ایدئولوژی داعش به خاطر تقسیم پول و بخش مواد غذایی بین آنها می‌باشد. در صورتی که نسل دوم حقوق بشر درباره مسکن، تأمین غذا، کار، تحصیل و... (مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر) صحبت می‌کند. اجرای این نسل از حقوق بشر جزء مسؤولیت‌های ایجابی دولت‌ها می‌باشد که باید آن را تأمین کنند و در صورت کمبود سرمایه دولت درخصوص تأمین این موارد، دولت‌های ثروتمند و کشورها باید در این خصوص کمک کنند.

مناطقى که در جهان به مناطق تروریست‌پرور متهم می‌شوند، ساکنان این مناطق از فقر غذایی مفرط رنج می‌برند و همین فقر غذایی مفرط، روحیه انتقام‌جویی و پرخاشگری را در وجود چنین افرادی ایجاد خواهد کرد. هنگامی که آزادی‌های اساسی افراد یا گروهی از افراد ملتی، به طور گسترده سرکوب شود و حقوق بنیادین آنها مورد تعرض قرار گیرد و از سوی دیگر، تمام راه‌های مسالمت‌آمیز ممکن برای دادخواهی و کاستن از فشار و سرکوب بسته باشد یا عملاً بی‌نتیجه بماند، به طور طبیعی و قهری باید منتظر توسل به آخرین ابزار و علاج غریزی، یعنی خشونت بود. (مستقیمى و قادری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۶۱)

باتوجه به مطلب فوق که فقر مفرط خود یکی از عوامل ایجاد تروریسم می‌باشد، گروه تروریستی بنیادگرایانه بوکو حرام اعضای خود را از بین افرادی که به شهرها کوچ می‌کنند و وضع اقتصادی بدی دارند انتخاب می‌کند. همچنین دانش‌آموزان و دانشجویانی که دست از تحصیل کشیده‌اند و به دنبال کار می‌گردند و به علت پیدا نکردن کار جذب این گروه می‌شوند. یکی از دلایل جذب جوانان به ایدئولوژی داعش به خاطر تقسیم پول و بخش مواد غذایی بین آنها می‌باشد. در صورتی که نسل دوم حقوق بشر درباره مسکن، تأمین غذا، کار، تحصیل و... (مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر) صحبت می‌کند. اجرای این نسل از حقوق بشر جزء مسؤولیت‌های ایجابی دولت‌ها می‌باشد که باید آن را تأمین کنند و در صورت کمبود سرمایه دولت درخصوص تأمین این موارد، دولت‌های ثروتمند و کشورها باید در این خصوص کمک کنند.

ربودن دختران از مدرسه و فروش آنها در بازار برده‌فروشی و از جنایات دیگر آنها می‌توان به تجاوز به دختران، کشتار زنان و کودکان و کشتار جامعه‌ای بشری که با اعتقادات آنها همسان نباشد اشاره کرد.

زمانی که حقوق بنیادینی مثل حق حیات، امنیت فردی، ممنوعیت شکنجه و نسل دوم حقوق بشر از جمله آموزش و... در کشورها اجرا نمی‌گردد، نهادهای ملل متحد باید در صورت نقض حقوق بشر اقدام کنند. دختران به علت اقدام به تحصیل رفته می‌شوند و در بازارهای برده‌داری به فروش می‌رسند. آیا شکنجه به علت تحصیل کردن و برده‌داری نقض حقوق بشر به حساب نمی‌آید؟

نه تنها در این خصوص سازمان ملل متحد هیچ گونه اقدام مؤثری انجام نداده است، حتی کشورها نیز بر علیه این گونه جنایات از سوی تروریسم بنیاد گرایانه اقدامی صورت نمی‌دهند. بحث این گروه‌های تروریسم فقط مختص کشورهای اسلامی نیست، بلکه حتی همانگونه که مشاهده می‌گردد آنها در جهت اثبات اعتقادات خود در کشور های غیر اسلامی نیز اعمالی به اسم جهاد انجام می‌دهند. باید تمامی دولت‌ها علی‌الخصوص دولت‌های قدرتمند با همکاری یکدیگر بر علیه این تروریسم جهانی اقدام کنند.

۸- تروریسم بنیادگرایانه و نسبی‌گرایی با نگاهی به دکترین حاشیه مجاز

حقوق بشر نسبی‌گرایی، همانگونه که در این مقاله شرح داده شد، بر این فرضیه استوار است که نمی‌توان تمام انسان‌ها را به پذیرش یک‌سری از قوانین یکسان حقوق بشری سوق داد زیرا حقوق عبارت است از قاعده رفتار اجتماعی که مولد جوامع بشری است بنابراین هیچ ملتی حق ندارد. ایدئولوژی و فرهنگ یک کشور را به افراد کشورهای دیگر تحمیل کند. در مکتب نسبی‌گرایی فرهنگ و آمیزه‌های دینی و مذهبی هر ملتی در جایگاه خودش حائز اهمیت است و ارزش‌های اساسی آن ملت قلمداد می‌گردد. (Shany, 2006: 920) تروریسم بنیادگرایانه مقابل مدرنیته است و معتقد به اجرای اصل و ریشه احکام دینی می‌باشد. گروه‌های تروریسم بنیادگرایانه اسلامی (القاعده،

طالبان، بوکوحرام و داعش) معتقد هستند که اصل اسلام را اجرا می‌کنند و برای جهان شمول شدن این اصل در جهان جهاد می‌کنند در صورتی که نسل اول حقوق بشری، حق بشریت است که آزادی فکری و مذهبی به رسمیت شناخته است.

آیا این دین همان فرهنگ و سنتی است که حقوق بشر نسبی‌گرایی بیان می‌کند که هر جامعه‌ای اعتقاداتی دارد و باید به آنها احترام گذاشت؟ آیا احکام دینی بنیاد گرایانه اسلامی واقعاً همان دین و فرهنگ جوامع اسلامی است؟

در مکتب نسبی‌گرایی فرهنگ و آمیزه‌های دینی و مذهبی هر ملتی در جایگاه خودش حائز اهمیت است و ارزش‌های اساسی آن ملت قلمداد می‌گردد. در این نوع دیدگاه جامعه به فردگرایی اهمیت می‌دهد و حقوقی را برای فردیت بشر قایل است.

به استناد نظریه نسبی‌گرایی حقوق بشر، شخصیت، عقاید و فرهنگ افراد مورد احترام است. در نتیجه انتخاب افراد در هر زمینه‌ای برای دیگران مورد احترام است. پس گروه یا افرادی حق ندارند اعتقادات، فرهنگ یا دین خود را به دیگران تحمیل کنند این با نسبی‌گرایی حقوق بشر در تضاد است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که تروریسم بر بهره‌مندی از حقوق بشر و کارکرد جامعه تأثیر می‌گذارد، دولت‌ها می‌بایست اقداماتی را در راستای مقابله با آن اتخاذ نمایند. از آنجا که تروریسم تأثیرات منفی در بهره‌مندی از طیف وسیعی از حقوق بنیادین بشر به جا می‌گذارد، دولت‌ها نه تنها محق بلکه موظف به اتخاذ اقداماتی مؤثر در راستای مقابله با آن هستند. تمامی دولت‌ها می‌بایست اقداماتی را در خصوص مقابله با تروریسم اتخاذ نمایند. تروریسم فقط برای کشورهای جهان سوم نیست که کشورهای قدرتمند نسبت به آن بی‌اهمیت باشند بلکه مقابله مؤثر با تروریسم و حمایت از حقوق بشر اهدافی مکمل و در عین حال تقویت کننده یکدیگرند که دولت‌ها باید همواره به آنها به عنوان بخشی از وظایفشان در راستای حمایت از افراد تحت صلاحیتشان پایبند باشند.

تروریسم بنیادگرایانه اسلامی از نوع تروریسم سلفی جهادی می‌باشد که با جهاد در کل جهان می‌خواهد مدرنیته را هدف قرار

دهد با دموکراسی، آزادی و مدرنیسم غرب مخالف است و به دنبال پایه‌گذاری خلافت اسلام سلفی است. هدف این نوع تروریسم القای مذهب بنیادگرایانه اسلامی و مخالفت با مدرنیته است. بنیادگرایان اسلامی تعبیری حداکثری و ایدئولوژیک از دین اسلام ارائه می‌دهد و آن را شیوه‌ای برتر برای زندگی فردی و اجتماعی بشر معرفی می‌کند. هدف تروریسم بنیادگرایانه اسلامی تغییر شیوه زندگی مذهب، آیین و رسوم افراد به شیوه مورد نظر آنها است، در صورتی که فرهنگ و آموزه‌های دینی و مذهبی هر ملتی در جایگاه خودش حائز اهمیت است و ارزش‌های اساسی آن ملت قلمداد می‌گردد. در این نوع دیدگاه که ریشه در حقوق بشر دارد جامعه به فرد گرایی اهمیت می‌دهد و حقوقی را برای فردیت بشر قایل است به استناد نظریه نسبی‌گرایی حقوق بشر، شخصیت، عقاید و فرهنگ افراد مورد احترام است. تروریسم بنیادگرایانه اسلامی با نقض این موارد حقوق بشر را مورد هدف قرار داده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله بر اساس شیوه نگارش مقالات حقوقی، تماماً توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- توکلی، سعید (۱۳۹۳). «القاعده، داعش (افتراقات و تشابهات)». فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۳): ۱۵۹-۱۵۱.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۰). حقوق بشر (ارزش‌ها و واقعیت‌ها). چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۲). زمینه، ابعاد و آثار حقوق شهروندی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Shany, Y (2006). "Toward A General Margin of Appreciation Doctrine in International Law". *The European Journal of International Law*, 16(5): 908-940.
- Tümay, M (2008). "The Margin of Appreciation Doctrine Developed by the Case Law of The European Court Of Human Rights". *Ankara Law Review*, 5(2): 2020-234.

- شریفی طراز کوهی، حسین و مبینی، جواد (۱۳۹۳). «دکترین حاشیه مجاز تفسیر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۶(۴۴): ۱۰۳-۷۴.
- ظریف، محمدجواد و سجاد پور، محمد کاظم (۱۳۹۵). دیپلماسی چندجانبه. چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عباس‌زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۹۳). «بوکوحرام فرقه اسلامگرای افراطی در نیجریه». مجله سیاسی اقتصادی، ۲۹۶: ۳۵-۲۴.